رویداد

مدیر کل نظارت بر انرژی و فناوری‌های نوین استاندارد ایران:

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر بدون استاندارد سرمایه‌سوزی است

مدیر کل دفتر نظارت بر ارزیابی انطباق خدمات، انرژی و فناوری‌های نوین سازمان ملی استاندارد ایران، گفت: توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر دیگر یک انتخاب تشریفاتی یا صرفا فنی نیست، بلکه با امنیت اقتصادی، آینده تولید و کیفیت زندگی نسل‌های آینده ارتباط مستقیم دارد. علی توکلی گلپایگانی امروز یکشنبه ۱۹ مهر در نشست شورای استاندارد و گرامیداشت روز جهانی استاندارد در ایلام، با اشاره به چالش ناترازی انرژی در کشور اظهار کرد: شکاف میان تولید و مصرف حامل‌های انرژی، دیگر صرفا یک مساله فصلی نیست و به چالشی ساختاری تبدیل شده که بخش‌های مختلف کشور، به‌ویژه تولید صنعتی، کیفیت و رقابت‌پذیری کالاهای داخلی و توان صادراتی را تحت تأثیر قرار داده است. وی خاطرنشان کرد: افزایش تولید و عرضه انرژی به سرمایه‌گذاری‌های کلان و زمان‌بر نیاز دارد، بنابراین مدیریت تقاضا و کاهش شدت مصرف انرژی از طریق طرح‌های بهینه‌سازی، از راهکارهای سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر برای عبور از این بحران به شمار می‌رود.

توکلی گلپایگانی با اشاره به ظرفیت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر در استان ایلام گفت: دشت‌های دهلران و مهران و مناطق بادخیز غرب کشور از ظرفیت‌های قابل توجهی برای توسعه انرژی‌های پاک برخوردارند، اما ظرفیت طبیعی بدون رعایت استانداردها می‌تواند به سرمایه‌ای هدررفته تبدیل شود. وی ادامه داد: نصب تعداد زیادی پنل خورشیدی به‌تنهایی به معنای تولید اقتصادی برق نیست و عواملی مانند میزان تابش، دمای محیط، سایه‌اندازی، زاویه نصب، تلفات مبدل و ظرفیت اتصال به شبکه باید به‌صورت کارشناسی بررسی شوند. انتخاب محل احداث نیروگاه نیز باید بر پایه داده‌های معتبر و اندازه‌گیری‌های دقیق باشد، نه حدس و گمان. مدیر کل دفتر نظارت بر ارزیابی انطباق خدمات، انرژی و فناوری‌های نوین سازمان ملی استاندارد ایران با اشاره به شرایط اقلیمی ایلام بیان کرد: افزایش دمای سلول‌های خورشیدی می‌تواند توان تولیدی پنل‌ها را کاهش بدهد و در مناطق گرمسیری استان، این موضوع اهمیت بیشتری دارد. همچنین پدیده ریزگردها می‌تواند با ایجاد رسوب روی پنل‌ها، بخش قابل توجهی از تولید برق را کاهش دهد؛ بنابراین طراحی، نصب و نگهداری سامانه‌های خورشیدی باید متناسب با شرایط اقلیمی منطقه انجام شود. وی با اشاره به تکالیف قانونی صنایع پرمصرف در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر اظهار کرد: بر اساس ماده ۱۶ قانون جهش تولید دانش‌بنیان، صنایع مشمول، از جمله واحدهای دارای قدرت مصرف بیش از یک مگاوات، مکلف به تأمین بخشی از برق مصرفی خود از منابع تجدیدپذیر هستند. توکلی گلپایگانی با تأکید بر نقش استانداردها در توسعه پایدار گفت: استاندارد نباید صرفا به نشان روی کالا یا چند آزمون آزمایشگاهی محدود شود، بلکه زبان مشترک حاکمیت، تولیدکننده و مصرف‌کننده و ابزاری برای ایجاد اعتماد در بازار است. استاندارد، کیفیت را از یک ادعای تبلیغاتی به ویژگی قابل اندازه‌گیری تبدیل می‌کند. وی سه محور اصلی فعالیت سازمان ملی استاندارد ایران در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر را تدوین استانداردها، ارزیابی انطباق و اندازه‌شناسی عنوان کرد و افزود: آزمون، بازرسی و صدور گواهی انطباق تجهیزات و خدمات با استانداردهای تخصصی، در کنار اندازه‌گیری دقیق، امکان ارزیابی واقعی کیفیت و میزان تولید یا صرفه‌جویی انرژی را فراهم می‌کند. این مسوول با اشاره به اهمیت مدیریت مصرف انرژی در صنایع تأکید کرد: پیش از نصب پنل‌های خورشیدی روی سقف کارخانه‌ها، باید وضعیت مصرف انرژی در داخل واحد صنعتی بررسی شود. نظام مدیریت انرژی بر پایه استاندارد ISO۵۰۰۰۱ به شناسایی خط مبنای مصرف، تعیین شدت مصرف انرژی به ازای هر واحد محصول و شناسایی تجهیزات پرمصرف کمک می‌کند تا اقدامات بهینه‌سازی از نقاط موثر آغاز شوند. وی از پیشنهاد سه محور همکاری برای توسعه انرژی‌های پاک در ایلام خبر داد و گفت: نخست، ممیزی انرژی صنایع داوطلب با هدف شناسایی واحدهای پرمصرف، تعیین خط مبنای انرژی و شناسایی راهکارهای بهینه‌سازی است. توکلی گلپایگانی افزود: دومین محور، تدوین چارچوب فنی پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر متناسب با شرایط استان، شامل ارزیابی تجهیزات، صلاحیت مجریان، شرایط نصب، برنامه نگهداری و پایش عملکرد واقعی سامانه‌هاست تا تجربیات موجود به دستورالعملی بومی تبدیل شود. وی توسعه مهارت‌ها و خدمات تخصصی را سومین محور پیشنهادی برشمرد و اظهار کرد: آموزش تکنسین‌ها و حمایت از شرکت‌های محلی در حوزه نصب، بازرسی، نگهداری و پایش سامانه‌های انرژی پاک، علاوه بر ارتقای سطح تخصصی استان، می‌تواند به ایجاد اشتغال نیز کمک کند. مدیر کل دفتر نظارت بر ارزیابی انطباق خدمات، انرژی و فناوری‌های نوین سازمان ملی استاندارد ایران همچنین از تدوین نظام ملی ارزیابی انطباق سامانه‌های خورشیدی با همکاری ساتبا و سازمان ملی استاندارد خبر داد و گفت: این نظام بزودی اطلاع‌رسانی و ابلاغ خواهد شد.

قیمت بالای سوخت جت تا ۲۰۲۸ ادامه می‌یابد

مدیرعامل یک شرکت هواپیمایی در اروپا نسبت به احتمال تداوم قیمت بالای سوخت جت تا سال ۲۰۲۸ هشدار داد. به گزارش ایلنا از خبرگزاری رویترز، مایکل اولیری، مدیرعامل گروه هواپیمایی رایان‌ایر (Ryanair)، در کنفرانس خبری انجمن خطوط هوایی برای اروپا (A4E) اعلام کرد که شرکت‌های هواپیمایی اروپایی ممکن است به دلیل جنگ امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، بیش از یک سال دیگر با هزینه‌های بالای سوخت جت روبه‌رو باشند. این نخستین‌باری است که یک مدیر ارشد نسبت به تداوم پیامدهای جنگ علیه ایران تا سال ۲۰۲۸ هشدار می‌دهد. جنگ امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران در سال جاری میلادی قیمت سوخت جت را به‌شدت افزایش داده و با وجود اقدام‌های گسترده برای پوشش ریسک قیمت سوخت، حاشیه سود شرکت‌های هواپیمایی را کاهش داده است. اولیری افزود: هم‌اکنون قیمت سوخت جت حدود ۵۰ درصد بیشتر از قیمت‌ها پیش از آغاز جنگ علیه ایران است و احتمال می‌رود تا ۱۲ تا ۱۸ ماه آینده در همین سطح حفظ شود. وی تصریح کرد: همه ما سال آینده با چالش بزرگ هزینه‌ها روبه‌رو هستیم. تحلیلگران هشدار داده‌اند که اروپا ممکن است تا سه ماه چهارم سال جاری میلادی با کمبود عرضه سوخت جت مواجه شود.

گزارش «تعادل» از بی‌سابقه‌ترین پارادوکس‌های دهه‌های اخیر بازار انرژی

شکاف عمیق میان «نفت کاغذی» و «بشکه‌های روی آب»



گلناز پرتوی مهر |

تابلوهای معاملاتی وال‌استریت و تالارهای لندن این روزها تصویری را مخابره می‌کنند که با واقعیت میدانی نبض انرژی در هارتلند نفت جهان فرسنگ‌ها فاصله دارد. در حالی که نفت برنت روی اعدادی نزدیک به مرز ۱۰۰ دلار و وست‌تگزاس اینترمدیت در حوالی اوایل کانال ۹۰ دلار دست‌به‌دست می‌شوند و افت‌های مقطعی چندسنتی را تجربه می‌کنند، در دنیای واقعی و بارگیری‌های فیزیکی، تحولات بوی باروت و کمبود می‌دهد. برای ناظری که نبض بازار را نه از پشت مانیتورهای معاملاتی الگوریتمی، بلکه از عرشه نفتکش‌ها در خلیج‌فارس، سواحل دریای سرخ و تنگه هرمز رصد می‌کند، یک حقیقت غیرقابل انکار وجود دارد: نفت فیزیکی بسیار گران‌تر، کمیاب‌تر و پرریسک‌تر از آن چیزی است که معاملات آتی (فیوچرز) ادعا می‌کنند. شکاف عمیق فعلی میان «نفت کاغذی» و «بشکه‌های فیزیکی روی آب» یکی از بی‌سابقه‌ترین پارادوکس‌های دهه‌های اخیر بازار انرژی را رقم زده است؛ وضعیتی که نشان می‌دهد اگر قیمت‌گذاری واقعی ریسک ژئوپلیتیک و اختلال ساختاری لجستیک بر بازار حاکم بود، دیدن اعداد فراتر از ۱۰۰ و حتی نزدیکی به ۱۵۰ دلار برای محموله‌های فوری، دور از ذهن نبود. نخستین پرسشی که برای هر فعال حوزه انرژی مطرح می‌شود این است: چگونه بازاری که کوچک‌ترین تهدید امنیتی در دهه‌های گذشته آن را شعله‌ور می‌کرد، امروز در برابر اصابت‌ها و ناامنی‌های زنجیره تأمین خاورمیانه چنین خونسرد و بی‌اعتنا ایستاده است؟ پاسخ این معما را باید در زمین سیاست و سازوکار مهندسی مالی جست‌وجو کرد. موتور محرک قیمت‌ها در بازارهای مالی برای ماه‌ها نه عوامل بنیادین عرضه و تقاضا (Fundamental)، بلکه جریان اخبار سیاسی پیرامون انتخابات و برنامه‌های کنترلی واشنگتن بوده است. دموکرات‌ها و دستگاه اجرایی ایالات متحده، به منظور مهار تورم بنزین و جلوگیری از ریزش آرا، تمام توان خود را بر ایجاد سیگنال‌های کاهشی متمرکز کرده‌اند؛ از آزادسازی‌های پی‌درپی ذخایر استراتژیک نفت خام (SPR) گرفته تا فشار بر ابزارهای نظارتی و ایجاد این ذهنیت روانی در میان معامله‌گران وال‌استریت که «کاخ سفید به هر قیمتی مانع جهش بهای نفت خواهد شد».

این مهندسی روانی، ارتشی از معامله‌گران الگوریتمی و سرمایه‌گذاران مالی را به این باور رسانده که ریسک‌های خاورمیانه گذرا هستند. در نتیجه، بازار کاغذی نوعی حس مصونیت کاذب پیدا کرده است؛ بی‌تفاوتی شگفت‌آوری که گویی نفت نه از یک جغرافیای ملتهب، بلکه از یک شیر آب کاملا امن و نامحدود در حال جاری شدن است.

اما درست در نقطه‌ای که فعالان وال‌استریت با آرامش به تابلوهای قرمز و نزولی نگاه می‌کنند، در دریا بحرانی تمام‌عیار در حال تکوین است. مشکل امروز بازار جهانی، صرفا افت تولید در سرچاه نیست؛ معضل اصلی، گره کور «انتقال و جابه‌جایی» است. سرایت بحران امنیتی به صنعت کشتیرانی و ناوگان حمل‌ونقل دریایی، اختلالی بی‌سابقه در تاریخ دریانوردی معاصر ایجاد کرده است. حملات و ناامنی‌های شکل گرفته در آبراه‌های استراتژیک اطراف شبه‌جزیره عربستان و دریای سرخ، باعث شده عبور و مرور نفتکش‌ها از حالت بهینه و زمان‌بندی‌شده خارج شود:

۱. جهش تصاعدی نرخ کرایه حمل (Tanker Rates): نرخ اجاره نفتکش‌های غول‌پیکر (VLCC) به بالاترین سطوح تاریخی رسیده و هزینه‌های بیمه ریسک جنگی (WarRiskPremiums) چندبرابر شده است.

۲. قفل شدن ظرفیت ناوگان: تغییر مسیر کشتی‌ها، معطلی‌های طولانی‌مدت برای بارگیری، و ناکارآمدی شدید در عملیات سواپ و انتقال محموله‌ها در تنگه هرمز، عملا ظرفیت ناوگان جهانی را به دام انداخته است. هر روز اضافه‌ای که یک ابرنفتکش به دلایل امنیتی در لنگرگاه معطل می‌ماند، یعنی حذف صدها هزار بشکه ظرفیت جابه‌جایی از سایر مسیرهای حیاتی دنیا.

۳. قحطی نفتکش آزاد: جریان خروج نفت خام از خاورمیانه روی کاغذ ادامه دارد، اما در عمل ظرفیت آزاد کشتیرانی برای پوشش تقاضای پالایشگاه‌های اروپایی و آسیایی به خط قرمز رسیده است.

این واقعیت تلخ زنجیره تأمین، از دید شاخص‌های بورس پنهان مانده است. هزینه تحویل نهایی نفت به پالایشگاه‌ها (CIF) با قیمت روی تابلوی فیوچرز (FOB) فاصله‌ای عمیق گرفته است؛ تفاوتی که هزینه واقعی آن را در نهایت مصرف‌کننده نهایی در پمپ‌بنزین‌ها و قبض‌های انرژی پرداخت خواهد کرد. روی دیگر این معادله، تهدید مداوم و عملیاتی علیه تأسیسات کلیدی انرژی در منطقه است. هدف قرار گرفتن زیرساخت‌ها، تأسیسات پالایشی، مخازن ذخیره‌سازی و پایانه‌های صادراتی بزرگ در حاشیه خلیج‌فارس، دیگر یک فرضیه بدبینانه ژئوپلیتیک نیست، بلکه رویدادی است که بارها روی زمین رخ داده است.

انکار این واقعیت از سوی بازارهای آتی، نشان‌دهنده یک «خطای محاسباتی استراتژیک» است. سرمایه‌گذاران صندوق‌های پوشش ریسک (Hedge Funds) فرض را بر این گذاشته‌اند که ظرفیت مازاد تولید (Spare Capacity) در منطقه همواره آماده جبران هر شوکی است. اما حقیقت این است که:

این ظرفیت مازاد نیز عمدتا در همان جغرافیایی متمرکز است که زیر سایه مستقیم تهدیدات و اختلال لجستیکی قرار دارد. اگر تنها یک پایانه اصلی صادراتی برای چند هفته با اختلال عملیاتی یا آسیب فیزیکی جدی مواجه شود، هیچ نقطه‌ای در جهان توانایی جایگزینی سریع آن حجم از نفت فیزیکی را نخواهد داشت.

نمی‌توان برای همیشه با اهرم ابزارهای مالی و بیانیه‌های سیاسی، واقعیت‌های فیزیکی عرضه و تقاضا را سرکوب کرد. نفت یک دارایی دیجیتال نیست؛ طلای سیاهی است که باید استخراج شود، به اسکله برسد، درون مخزن کشتی پمپ شود و پس از پیمودن هزاران مایل دریایی پرریسک، تحویل پالایشگاه گردد. هر حلقه از این زنجیره که آسیب ببیند، کل سیستم دچار لرزش می‌شود.

آرامش شکننده فعلی در بازار نفت، بیشتر به «چشم بستن راننده‌ای روی سرعت‌سنج در لبه پرتگاه» شباهت دارد تا ثبات اقتصادی ناشی از تعادل بازار. غفلت بازار کاغذی از هزینه‌های سرسام‌آور بیمه، کمبود نفتکش، ناکارآمدی مسیرهای کشتیرانی و تهدیدات مستقیم زیرساخت‌ها، مثل فشردن فنری است که هر چه بیشتر مهار شود، جهش نهایی آن خشن‌تر خواهد بود.

با تخلیه تدریجی ذخایر استراتژیک امریکا و گذر از بزنگاه‌های سیاسی، دیر یا زود بازارهای آتی ناچار خواهند شد خود را با واقعیت سنگین بشکه‌های فیزیکی هماهنگ کنند. روزی که این پرده کنار برود، بازار نه تنها از مرزهای نمادین ۱۰۰ دلار عبور خواهد کرد، بلکه باید خود را برای جهش‌های قیمتی کم‌سابقه‌ای آماده کند که شوک آن، جهان اقتصاد را غافلگیر خواهد کرد. خواب خرگوشی بازار نفت ابدی نخواهد بود؛ زنگ بیدارباش را همان نفتکش‌هایی به صدا درمی‌آورند که امروز بدون ظرفیت خالی، در میانه آبراه‌های پرآشوب معطل مانده‌اند.

خطر اتمام آخرین ذخایر احتیاطی نفت جهان جدی شد

آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) در حال آزادسازی ۱۰۰ میلیون بشکه دیگر از ذخایر اضطراری نفت و سوخت است، اما در بحبوحه بحران طولانی‌مدت تنگه هرمز، ذخایر جهانی به سرعت رو به کاهش هستند. به گزارش ایسنا، آژانس بین‌المللی انرژی اوایل هفته گذشته، پس از مشورت با کشورهای عضو گروه ۷، اعلام کرد که ۱۰۰ میلیون بشکه دیگر از ذخایر گازوئیل، بنزین و نفت خام را آزاد خواهد کرد. این اقدام بخشی از طرحی است که در ماه مارس برای آزادسازی ۴۰۰ میلیون بشکه نفت در واکنش به مختل شدن عرضه از خلیج‌فارس پس از تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران اعلام شده بود. اما مشکل در این روند آزادسازی این است که ذخایر در حال خالی شدن هستند. زمانی که دولت امریکا آزادسازی نفت از «ذخایر استراتژیک نفت» (SPR) را آغاز کرد، سیل گزارش‌ها به نقل از کارشناسان منتشر شد و کارشناسان هشدار می‌دادند سطح نفت در این ذخایر پیش از آن هم به حد نگران‌کننده‌ای پایین آمده و هرگونه برداشت بیشتر، پرخطر خواهد بود. در آغاز اکتبر، پس از آخرین مرحله آزادسازی که شامل بیش از ۹ میلیون بشکه بود، حجم نفت موجود در ذخایر استراتژیک امریکا به ۳۳۱.۲ میلیون بشکه رسید که پایین‌ترین رقم از سال ۱۹۸۳ تاکنون محسوب می‌شود. این آزادسازی‌ها بخشی از برنامه ۱۷۲ میلیون بشکه‌ای است که امریکا اوایل سال جاری متعهد به اجرای آن شده بود. مشکل اینجاست که رقم ۳۳۱.۲ میلیون بشکه به آنچه کارشناسان «حداقل عملیاتی» برای سیستم ذخیره‌سازی می‌دانند - یعنی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون بشکه - بسیار نزدیک است. اجازه دادن به کاهش سطح نفت تا نزدیکی «حداقل عملیاتی»، خطرناک است، زیرا این وضعیت بر زیرساخت‌های ذخیره‌سازی تاثیر منفی می‌گذارد. برای جلوگیری از این پیامد و البته برای حفظ توانایی پاسخگویی به هرگونه کمبود عرضه در آینده باید ذخایر دوباره پر شوند. با این حال، ذخایر استراتژیک نفت امریکا تنها ذخایری نیست که به حداقل سطح خود نزدیک می‌شود؛ ذخایر جهانی نیز رو به کاهش هستند. بر اساس آخرین گزارش ماهانه نفت آژانس بین‌المللی انرژی که مربوط به سپتامبر است، ذخایر جهانی نفت در ماه آگوست ۹۵ میلیون بشکه کاهش یافت. بدین ترتیب، مجموع برداشت‌ها از ماه فوریه به ۵۰۷ میلیون بشکه رسید که معادل ۲.۸ میلیون بشکه در روز است. تنها خبر خوب در گزارش آژانس این بود که ذخایر تجاری کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) به میزان ۲۳ میلیون بشکه افزایش یافت و کاهش ۱۹ میلیون بشکه‌ای ذخایر استراتژیک را جبران کرد. با این حال، این خبر خوش دیری نپایید. اوایل هفته گذشته، امین ناصر، مدیرعامل شرکت آرامکو، هشدار داد که ذخایر نفت جهان به سطوح خطرناکی کاهش یافته است و تلویحا اشاره کرد که چشم‌انداز پر کردن مجدد آنها چندان نزدیک نیست. ناصر در رویداد «مجمع هوش انرژی» در لندن گفت: «این سیستم هم‌اکنون تحت فشار شدیدی قرار دارد. و با توجه به اینکه گزینه‌های جایگزین بسیار اندکی برای جهان وجود دارد، حاشیه اطمینان تاب‌آوری عرضه به شکلی نگران‌کننده محدود شده است.» ناصر خاطرنشان کرد که جبران ذخایر برداشت شده، ممکن است تا دو سال طول بکشد، آن هم تنها پس از بازگشایی تنگه هرمز. در حالی که جهان منتظر وقوع این اتفاق است، ذخایر خود را مصرف می‌کند و در صورت تداوم جنگ تا سال ۲۰۲۷، خود را در معرض شوک‌های شدیدتر عرضه قرار می‌دهد. فاتح بیرول، رییس آژانس بین‌المللی انرژی، هفته گذشته پس از دیدار با اعضای آژانس برای گفت‌وگو درباره آزادسازی جدید نفت و سوخت، گفت: «دولت‌های عضو آژانس همچنان سطوح قابل توجهی از ذخایر اضطراری نفت معادل حدود ۱.۱ میلیارد بشکه را که شامل بیش از ۲۰۰ میلیون بشکه گازوئیل می‌شود در اختیار دارند. آژانس بین‌المللی انرژی آماده است تا در صورت لزوم، بخش بیشتری از این ذخایر را به بازار عرضه کند.» هدف از این اظهارات، اطمینان‌بخشی به بازار بود مبنی بر اینکه کمبودی -به‌ویژه در مورد گازوئیل- رخ نخواهد داد. با این حال، این سخنان ممکن است به جای رفع نگرانی‌ها درباره کمبود، خود موجب نگرانی شود، زیرا ذخایر جهانی نیز به‌طور خطرناکی به «حداقل عملیاتی» خود نزدیک شده‌اند؛ حدی که نباید از آن عبور کرد، زیرا عبور از آن به معنای فروپاشی سیستم ذخیره‌سازی جهانی خواهد بود. از زمان آغاز تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، جهان بیش از یک میلیارد بشکه نفت خام از ذخایر خود برداشت کرده است. ناصر، مدیرعامل آرامکو، هفته گذشته گفت که بخش عمده‌ای از این حجم، از ذخایر تجاری تامین شده است. به این ترتیب، کمتر از ۶ میلیارد بشکه در ذخایر باقی مانده است و این ۶ میلیارد بشکه باید دست‌نخورده باقی بمانند تا سیستم ذخیره‌سازی همچنان کارآمد بماند. به نظر می‌رسد که جهان، ذخایر احتیاطی عرضه نفت خود را به پایان رسانده است. بر اساس گزارش اویل پرایس، بنابراین جای تعجب نیست که بسیاری از کشورها، به‌ویژه در آسیا، اکنون برای افزایش ذخایر نفتی خود وارد رقابت شده‌اند. آسیا در برابر رویدادهای نامطلوب در خاورمیانه به‌شدت آسیب‌پذیر است، زیرا بخش عمده‌ای از واردات نفت این قاره از همین منطقه تامین می‌شود. با مختل شدن جدی این روند، اقتصادهای آسیایی -به‌ویژه کشورهای جنوب شرق آسیا- برای تامین سوخت مورد نیاز صنایع و جمعیت خود و همچنین حفظ قیمت‌های نسبتا مناسب، با چالش‌های دشواری دست به گریبان بوده‌اند.

حمایت مالی و تسهیل صدور مجوز توسعه نیروگاه‌های خورشیدی

معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت امور اقتصادی و دارایی با تأکید بر ضرورت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور گفت: این وزارتخانه می‌تواند از طریق روش‌های جدید تأمین مالی و تسهیل فرآیند صدور مجوزها، به توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و افزایش ظرفیت تولید برق از منابع تجدیدپذیر کمک کند. به گزارش ایسنا، حسین فردوسی، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت امور اقتصادی و دارایی در مراسم امضای تفاهمنامه همکاری میان ساتبا و وزارت اقتصاد در زمینه توسعه نیروگاه‌های خورشیدی با تأکید بر ضرورت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور، اظهار کرد: در دنیای امروز، زندگی به‌شدت به انرژی برق وابسته است و بدون آن، استفاده از امکانات الکترونیکی و بسیاری از فعالیت‌های روزمره با دشواری همراه خواهد بود، بنابراین باید به فکر منابع جایگزین انرژی باشیم. وی با اشاره به ظرفیت‌های موجود برای تولید برق از منابع مختلف انرژی افزود: در برخی مناطق کشور، از جمله مسیرها و مناطق شمالی و همچنین بخشی از خراسان جنوبی امکان تولید برق از منابع جایگزین وجود دارد که با توجه به شرایط هر منطقه، می‌توان از این ظرفیت‌ها برای تأمین انرژی استفاده کرد. فردوسی با اشاره به اهمیت انرژی خورشیدی تصریح کرد: انرژی خورشیدی یکی از منابع نسبتا ارزان در دسترس و تقریبا پایان‌ناپذیر انرژی است و در سال‌های اخیر نیز سازمان مربوطه در زمینه توسعه و استفاده از این نوع انرژی اقدامات و برنامه‌هایی را دنبال کرده است. معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت امور اقتصادی و دارایی با بیان اینکه ظرفیت تولید انرژی‌های تجدیدپذیر کشور در سال‌های اخیر افزایش یافته است، گفت: با وجود رشد ظرفیت تولید برق از این منابع، همچنان فاصله قابل توجهی میان ظرفیت موجود و نیاز کشور وجود دارد و برای پاسخ‌گویی به نیازهای فعلی و آینده، باید توسعه این بخش با جدیت بیشتری دنبال شود. وی ادامه داد: محدودیت‌های مالی، مسائل مربوط به ساخت‌وساز و زیرساخت‌ها و همچنین محدودیت‌های تجهیزات از جمله عواملی هستند که توسعه ظرفیت تولید انرژی را با دشواری مواجه می‌کنند، بنابراین لازم است همه دستگاه‌های اجرایی و بخش‌های صنعتی، تجاری و سایر بخش‌های کشور در این زمینه مشارکت داشته باشند. فردوسی با تأکید بر ضرورت کاهش وابستگی به منابع انرژی تجدیدناپذیر اظهار کرد: اتکای بیش از اندازه به منابع محدود انرژی می‌تواند در شرایط خاص، مشکلاتی برای کشور ایجاد کند. برای مثال در صورت بروز تهدید یا آسیب به نیروگاه‌ها و مسیرهای انتقال انرژی تأمین برق با دشواری‌هایی مواجه می‌شود؛ از این رو توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند به افزایش تاب‌آوری کشور در برابر چنین شرایطی کمک کند. وی با اشاره به اقدامات انجام‌شده در دولت چهاردهم در زمینه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر گفت: از ابتدای فعالیت دولت چهاردهم و به دستور رییس جمهور توسعه تولید برق از منابع تجدیدپذیر مورد توجه قرار گرفته و دستگاه‌های اجرایی نیز موظف شده‌اند در این زمینه مشارکت کنند. فردوسی با بیان اینکه وزارت امور اقتصادی و دارایی در دو حوزه مدیریت مصرف و توسعه تولید انرژی فعالیت می‌کند، توضیح داد: در بخش مصرف باید تغییرات لازم در تجهیزات و فرایندهای مصرف‌کننده انرژی انجام شود تا میزان مصرف کاهش یابد. در این زمینه از همکاری مجموعه‌های مرتبط در حوزه تدوین و اجرای استانداردها نیز قدردانی می‌کنیم. وی ادامه داد: در کنار مدیریت مصرف موضوع توسعه تولید برق از منابع تجدیدپذیر نیز اهمیت دارد و وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌تواند در این زمینه از طریق روش‌های متنوع و جدید تأمین مالی به وزارت نیرو و سازمان‌های مرتبط کمک کند. تسهیل فرآیند صدور مجوزها در سازمان‌ها و مجموعه‌های تابعه نیز از جمله اقداماتی است که می‌تواند به توسعه پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر کمک کند.

قوه قضاییه، مجلس و دولت پیگیر شایعات مطرح‌شده درباره تراستی‌ها باشند

نماینده پیشین مجلس با اشاره به طرح شایعاتی در فضای مجازی درباره بازنگشتن درآمدهای حاصل از فروش نفت و سایر صادرات از سوی تراستی‌ها، تصریح کرد: لازم است قوه قضاییه، دولت و مجلس این موضوع را با جدیت دنبال کنند تا روشن و شفاف برای مردم مشخص شود اخبار مطرح‌شده در این زمینه صحت دارد یا خیر و در صورت تأیید، حقوق و منافع کشور و مردم پس گرفته شود. شهاب‌الدین بی‌مقدار در گفت‌وگو با ایسنا، درباره اولویت‌های مسوولان و تصمیم‌گیران برای مدیریت مسائل معیشتی و اقتصادی در شرایط ناشی از تهدیدهای خارجی و مشکلات داخلی، اظهار کرد: باید اختیارات بیشتری به رییس جمهوری داده شود تا بتواند مسائل موجود را به‌درستی مدیریت کند و در کنار آن، با حمایت و توجه بیشتر به تولیدکنندگان، زمینه تشویق آنان به ادامه و افزایش تولید فراهم شود؛ چراکه در صورت نبود تولید، کالایی برای عرضه در بازار وجود نخواهد داشت. فعال سیاسی اصلاح‌طلب با بیان اینکه نمی‌توان از مردم انتظار تاب‌آوری داشت اما همزمان نیازهای اولیه زندگی آنان را نادیده گرفت، افزود: تاب‌آوری بدون توجه به معیشت مردم، در عمل به یک شعار تبدیل می‌شود. شایعاتی در فضای مجازی درباره بازنگشتن درآمدهای حاصل از فروش نفت و سایر صادرات توسط تراستی‌ها مطرح شده است که لازم است قوه قضاییه، دولت و مجلس این موضوع را با جدیت دنبال کنند تا روشن و شفاف برای مردم مشخص شود اخبار مطرح‌شده در این زمینه صحت دارد یا خیر و در صورت تأیید، حقوق و منافع کشور و مردم از افراد مربوطه پس گرفته شود. وی با تأکید بر ضرورت تسهیل بازگشت ارز حاصل از صادرات به کشور، ادامه داد: باید با ایجاد تسهیلات و رفع موانع موجود در مسیر صادرات، زمینه بازگشت ارز به کشور فراهم شود تا از تشدید کاهش ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی جلوگیری شود؛ چراکه در مدت کوتاهی شاهد افزایش قابل توجه نرخ دلار بوده‌ایم. وی با اشاره به ضرورت تقویت اعتماد عمومی در شرایط بحرانی اظهار کرد: برای افزایش اعتماد مردم به تصمیم‌ها و اقدامات حاکمیتی، دولت باید از سازوکار مشخصی برای اطلاع‌رسانی برخوردار باشد تا رییس جمهوری و سخنگوی دولت بتوانند به‌صورت مستقیم و شفاف با مردم گفت‌وگو کنند و آنان را در جریان مسائل و تصمیمات قرار دهند. بی‌مقدار با اشاره به ضرورت جلوگیری از تأثیر تهدیدهای خارجی بر افکار عمومی، تصریح کرد: تهدیدهای دشمنان حتی اگر در حد شعار باشد، می‌تواند فضای روانی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. ایستادگی در برابر امریکا و داشتن طرح و برنامه ضروری است ولی باید با برنامه‌ریزی، تدبیر و عقلانیت همراه باشد و صرفا بر مبنای شعار پیش نرود. اظهارات مسوولان و مواضعی که مطرح می‌شود، به سرعت میان مردم بازتاب پیدا می‌کند و افراد درباره آن از یکدیگر پرس‌وجو می‌کنند؛ بنابراین ممکن است طرح برخی سخنان موجب نگرانی مردم و کاهش امیدواری آنان شود. فعال سیاسی اصلاح‌طلب در زمینه اقداماتی که می‌تواند به افزایش تاب‌آوری مردم، تقویت امید به آینده و فراهم شدن زمینه بازگشت آنان به زندگی عادی کمک کند، گفت: مشکلات را نمی‌توان با پنهان کردن از مردم حل کرد؛ چراکه بازار، واقعیت‌ها را نشان می‌دهد و مردم نیز در جریان این مسائل هستند. برای تقویت تاب‌آوری جامعه، نهادها و ارگان‌هایی که از توان و منابع مالی برخوردارند، باید بخشی از این منابع را به جامعه تزریق کنند تا از این طریق بتوان بخشی از مشکلات و فشارهای واردشده بر مردم را کاهش داد. وی با اشاره به نقش مجلس در کاهش فشارهای اقتصادی و معیشتی بر مردم، اظهار کرد: مجلس می‌تواند با ایجاد تسهیلات و حمایت از تولیدکنندگان، زمینه تقویت تولید را فراهم کند و در حوزه صادرات نیز با توجه به اینکه ترانزیت از کشور قطع شده است، برای رفع این مشکل و تسهیل مسیرهای صادراتی اقدامات لازم را در دستور کار قرار بدهد.

خبر

تداوم تلاش‌های جهانی برای جبران کمبود عرضه انرژی

اعضای آژانس بین‌المللی انرژی در تلاش برای مقابله با افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها و کمبود عرضه ناشی از درگیری‌های خاورمیانه، برای شتاب‌بخشی به روند آزادسازی ذخیره‌سازی‌های انرژی به توافق رسیدند. به گزارش ایلنا از خبرگزاری رویترز، همسو با تلاش کشورها برای مقابله با قیمت‌های بی‌سابقه سوخت و اختلال در عرضه ناشی از جنگ امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، اعضای آژانس بین‌المللی انرژی توافق کردند در چهارچوب طرح ماه مارس، ضمن شتاب‌دادن به برداشت از ذخیره‌سازی‌های راهبردی نفت، اولویت را به عرضه گازوئیل اختصاص دهند. جنگ امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران و درگیری‌های نظامی روسیه و اوکراین به پالایشگاه‌ها آسیب رسانده و تردد نفتکش‌ها را مختل کرده است. این درگیری‌ها همچنین با افزایش قیمت گازوئیل به سطوح بی‌سابقه در بسیاری از بازارها، تأمین این سوخت را به دغدغه مهم سیاسی و اقتصادی در سراسر جهان تبدیل کرده است. آژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرد که با تکمیل توافق ماه مارس، حدود ۱۰۰ میلیون بشکه نفت روانه بازار می‌شود، هرچند تحلیلگران و برخی کشورها بر این باورند که این تصمیم به معنای برداشت جدید از ذخیره‌سازی‌ها نیست. اعضای آژانس بین‌المللی انرژی در ماه مارس برای برداشت ۴۰۰ میلیون بشکه نفت از ذخیره‌سازی‌های راهبردی به‌منظور مقابله با کمبود عرضه و افزایش قیمت‌های ناشی از جنگ علیه ایران به توافق رسیدند، هرچند هنوز همه این مقدار به بازار عرضه نشده است. فاتح بیرول، رییس آژانس بین‌المللی انرژی گفت: دولت‌های عضو این آژانس حمایت خود را از شتاب‌دهی به روند آزادسازی ذخیره‌سازی‌های راهبردی نفت در چهارچوب توافق جمعی ماه مارس اعلام کردند. وی افزود: اعضای آژانس همچنین با توجه به وضع کنونی محدودیت در عرضه گازوئیل به بازارهای جهانی، از اولویت‌دهی به برداشت از ذخیره‌سازی‌های این فرآورده حمایت کردند. آژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرد که حدود ۱۰۰ میلیون بشکه از مقدار توافق شده در ماه مارس هنوز وارد بازار نشده است. در همین حال، سخنگوی کمیسیون اروپا در واکنش به اظهارات آژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرد که کشورهای عضو اتحادیه اروپا توافق کردند که آزادسازی برنامه‌ریزی‌شده نفت باید در چهارچوب مقدار مصوب در ماه مارس انجام شود.

ادامه از صفحه اول

توهم انسداد مرزهای زمینی ایران

در چنین فضایی، وظیفه اتاق‌های بازرگانی و دستگاه دیپلماسی کشور کاملا روشن است. در شرایطی که رقبای خارجی می‌کوشند ریسک مبادلات زمینی را بالا جلوه دهند، دستگاه دیپلماسی تجاری باید با تحرک مضاعف، تفاهمنامه‌های دوجانبه گمرکی، پیمان‌های پولی منطقه‌ای و روان‌سازی تردد کامیون‌ها در گذرگاه‌های مرزی مشترک با ترکیه، عراق و پاکستان را با اولویت ویژه دنبال کند. قفل کردن اقتصاد ایران سرابی بیش نیست، اما رمز مهار دست‌اندازهای دشمن، هوشیاری در لجستیک مرزی، پرهیز از خودتحریمی‌های داخلی و استمرار دیپلماسی عمل‌گرایانه در حوزه تجارت منطقه‌ای خواهد بود

تغییر مسیر نقدینگی با گزارش‌های مالی

نخستین نگرانی به پیامدهای مالیاتی این تغییر مربوط می‌شود. اگر شرکتی سودی را صرفا بر مبنای افزایش ارزش دارایی‌های خود شناسایی کند، اما آن دارایی را نفروخته باشد، هنوز لزوما وجه نقدی از این محل دریافت نکرده است. در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا شناسایی سود حسابداری می‌تواند زمینه مطالبه مالیات بر درآمدی را فراهم کند که هنوز به جریان نقدی واقعی تبدیل نشده است؟ این موضوع، به‌ویژه با توجه به نگرانی شرکت‌ها از افزایش هزینه‌ها و فشارهای مالیاتی، نیازمند تعیین تکلیف روشن است. ابهام دیگر به رفتار سهامداران عمده و نحوه تصمیم‌گیری درباره تقسیم سود مربوط می‌شود. ممکن است افزایش سود شناسایی‌شده در صورت‌های مالی، انتظاراتی درباره تقسیم سود ایجاد کند؛ در حالی که شرکت هنوز منابع نقدی متناظری در اختیار ندارد. همچنین باید مشخص شود که چنین سودهایی تحت چه شرایطی می‌توانند مبنای تصمیم‌گیری برای افزایش سرمایه یا تقسیم سود قرار بگیرند. بدون تعیین دقیق این چارچوب، احتمال شکل‌گیری انتظارات نادرست و تصمیم‌های مالی نامتناسب وجود دارد. اصل شفافیت در گزارشگری مالی قابل دفاع است و هر تغییری که بتواند ارزیابی دقیق‌تر وضعیت شرکت‌ها را ممکن کند، می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری سهامداران کمک کند. با این حال، نحوه اجرا و زمان‌بندی چنین تغییراتی نیز به اندازه اصل آن اهمیت دارد. در شرایطی که بازار سرمایه همزمان با ریسک‌های سیاسی، فشار عرضه و ضرورت بازگشت اعتماد سرمایه‌گذاران مواجه است، اضافه‌شدن ابهامات تازه در حوزه گزارشگری مالی می‌تواند پیچیدگی‌ها را افزایش دهد. از این رو، بهتر است پیش از اجرای چنین تغییراتی، جزییات مربوط به نحوه شناسایی سود، پیامدهای مالیاتی و محدودیت‌های تقسیم سود و افزایش سرمایه به صورت دقیق مشخص شود. یک رویکرد منطقی می‌تواند این باشد که شرکت‌ها سال جاری را با رویه‌های مشخص و جاری ادامه دهند و اجرای تغییرات جدید پس از تدوین دستورالعمل‌های روشن و فراهم شدن فرصت کافی برای انطباق، از سال آینده آغاز شود. چنین تصمیمی به معنای مخالفت با شفافیت نیست، بلکه هدف آن جلوگیری از ایجاد ابهام در دوره‌ای است که بازار با چالش‌های متعدد دست و پنجه نرم می‌کند. در مجموع، بازار سرمایه در نقطه‌ای قرار گرفته که از یک سو، ترس سیاسی و فشار عرضه می‌تواند نوسانات را تشدید کند و از سوی دیگر، شرایط بنیادی شرکت‌ها و گزارش‌های مالی این ظرفیت را دارند که مسیر تازه‌ای پیش روی نقدینگی قرار دهند. رکود در ارزش معاملات خرد نیز نشان می‌دهد که تحرک در بازار همچنان بالاست، اما جهت‌گیری بعدی این جریان پول به کیفیت اطلاعات، وضعیت سودآوری شرکت‌ها و میزان پایداری تقاضا بستگی دارد. اصلاح قیمت‌ها در صورت جذاب شدن ارزش‌گذاری سهام و انتشار گزارش‌های امیدوارکننده می‌تواند زمینه بازگشت تقاضا را فراهم کند. با این حال، این سناریو قطعی نیست و به تداوم شرایط بنیادی و نحوه تحول ریسک‌های سیاسی وابسته خواهد بود. آنچه در این میان اهمیت دارد، پرهیز از تصمیم‌گیری صرفا بر اساس ترس‌های مقطعی و توجه همزمان به متغیرهای بنیادی، رفتار عرضه‌کنندگان و کیفیت جریان نقدینگی است. بازار در کنار تمام چالش‌های خود، به ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و پرهیز از تحمیل ابهامات تازه نیاز دارد.